

ادامه از صفحه قبل

– شاخص بودن اهل بیت ^{علیهم‌السلام} و صاحبان ولایت برای این دوستی و دشمنی (سالمکم و حاربکم)؛

– آشنی ناپذیری حق و باطل را قیام تا قیام قیامت (الی یوم القیامه) و مقطعی نبودن این موضع‌گیری؛

– روایاتی که در مورد حبّ و بغض و تولی و تبزی است (هل الدین الا الحبّ والبغض).

- ۹. جبهه متحد دشمنان اسلام**

دشمن‌شناسی، از نکات محوری این زیارت است. دشمنی دیرین آل‌امیه، آل‌زیاد، آل مروان یا خط اسلام و اهل بیت ^{علیهم‌السلام} . از زمان پیامبر ^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} بوده و تا کربلا و بعد از آن هم ادامه داشته است. برای اینکه شبهه‌ای باقی نماند و همه چهره‌ها شناخته شوند، افزون بر این دودمان‌های کثیف و عنود (آل‌امیه، آل‌زیاد و آل‌مروان)، به برخی هم که چهره‌های اصلی بوده‌اند تصریح شده است: ابن‌مرجانه، عمرسعد و شمر. این بحث بصیرت‌افزایی دارد و فهم دشمن‌شناسانه را افزایش می‌دهد.

نکات قابل بحث:

– سابقه دشمنی بنی‌امیه و آل‌زیاد و آل‌مروان با پیامبر ^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} و مسلمانان و حضور دائمی آنان در حرکت‌های ضد اهل –بیت ^{علیهم‌السلام}؛

– نقش منافقانه گروه‌های یادشده بر ضد مسلمین و اهل بیت و نفوذ در مراکز حساس قدرت؛

– شناساندن چهره ابن‌زیاد (ابن‌مرجانه)، عمرسعد و شمر و دیگر جنایت‌کاران صحنه عاشورا، مثل خولی و سنان و شبت و حرمه و محمدبن اشعث و مروان حکم و …؛

– نقش مصداق‌شناسی در جریان مبارزات و اکتفا نکردن به کلی‌گویی؛

– شناخت شمرها و ابن‌زیداه‌ها و حرمه‌ها و مروان‌های زمان حاضر دنیای معاصر (تداوم خط حق و باطل).

- ۱۰. فرهنگ فدا و خون‌خواهی**

در زیارت عاشورا و برخی زیارت‌های دیگر، تعبیراتی همچون «بابی انت وامنی ونفسی ومالی واسرتی» دیده می‌شود. یک مؤمن و شیعه باید در راه دینش از همه چیز بگذرد و خدا و دین برای او از همه چیز از مال و جان خودش و پدر و مادرش هم مهم‌تر باشد. این مضمون در قرآن هم مطرح است (قل ان کان آباؤکم و ابناءؤکم اخوانکم…)^۲.

محورهای قابل بحث:

– محبت، تنها به ادعا نیست و در عمل باید ثابت شود (پیوند ایمان و عمل)؛

– محبت اهل‌بیت ^{علیهم‌السلام} باید آماده‌فداکردن همه چیزش در این راه باشد، عشق و لوازم آن؛

– خون‌خواهی اهل‌بیت ^{علیهم‌السلام} یک ارزش و توفیق است که باید از خدا خواست: «ان یرزقنی…»؛

– حرکت در خط خون‌خواهی شهدای کربلا، حرکت در مسیر امام زمان ^{عجل‌الله‌تعالیه‌الی} است؛ چون او منتقم خون شهدای کربلا است: «اتّین الظّالِم بِدَمِ الْمُؤْمِنِوَلِیِّکَزَیْلًا» (دعای ندبه)؛

– علی‌رغم نهضت توأبیین و قیام مختار، هنوز تقاص خون امام حسین ^{علیه‌السلام} گرفته نشده و این خون‌خواهی ادامه دارد؛ چون خون‌خواهی واقعی وقتی است که خط امام حسین ^{علیه‌السلام} و راه اهل‌بیت ^{علیهم‌السلام} احیا و حاکم شود و دین خدا در جهان نافذ باشد: «اتّینَ الْمُدْحَرَّوَلِیِّتَجْدِیدِ الْفَرِایضِ وَالشَّنَ» (دعای ندبه)؛

– شعار یاران امام زمان ^{عجل‌الله‌تعالیه‌الی} هم همین خون‌خواهی است: «یاثارات الحسین»، پیوند عاشورا و انتظار، عاشورائیان و منتظران؛

– در دعاها و زیارت‌نامه‌های دیگر هم درخواست و آرزوی خون‌خواهی مطرح است: «وَجَعَلْنَا وِإِیَّاکُمْ مِنَ الظّالِمِیْنَ پَنَّاوَهُ مَعَ وَلِیَّتِهِ الْأَیْمَامِ الْمُهِدِیِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمُ السَّلَام»^۳.

– آرزش قیام خون‌خواهانه در رکاب امام حق از اهل‌بیت ^{علیهم‌السلام}؛ «مع امام منصور من اهل‌بیت محمد ^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم}»؛

– قیام‌های خون‌خواهانه پس از حادثه عاشورا، قیام مردم مدینه، توأبیین و مهم‌تر از همه قیام مختار.

- ۱۱. تقرب به خدا و اهل‌بیت ^{علیهم‌السلام}**

ادامه از صفحه قبل

یاران امام حسین ^{علیه‌السلام} در کربلا، جان خود را در راه دفاع از حق و حقیقت فدا کردند و الگویی شدند برای تمام انسان‌های آزاده و حق‌طلب عالم. مگر نه اینکه تمام شهدای تاریخ و از جمله شهدای ایران عزیز در انقلاب، دفاع مقدس، دفاع از حرم و حتی در مسیر خدمت به شهدای عاشورا تاسی کرده و از آن‌ها الگو گرفته‌اند.

– پس لازم است، هرکدام از ما به‌عنوان منتظران حضرت حجت ^{عجل‌الله‌تعالیه‌الی} از خود ببرسیم: آیا آماده چنین فداکاری‌هایی در راه حق هستیم؟ آیا حاضریم برای یاری رساندن به آن‌حضرت و برپایی عدالت و قسط در جهان، از همه هستی‌مان بگذریم؟

- نمونه‌هایی از ایثار شهدای دفاع مقدس**

شهدا که الگوی‌شان سیدالشهدا ^{علیه‌السلام} بود نیز، مانند ایشان اهل ایثار بودند و امروز سیره شهدای عزیز ما، می‌تواند الگوی خوبی برای منتظران امام عصر ^{عجل‌الله‌تعالیه‌الی} باشد.

اورکت

درباره ایثار شهید حاج محمدابراهیم همت تعریف می‌کنند:

قلاجه بود و سرمای استخوان سوزش. اورکت‌ها را آوردم و بین بچه‌ها قسمت کردم. ایشان نگرفت. گفت: « . . . همه بپوشند. اگر ماند، من هم می‌پوشم.» به همه رسید به‌جز او؛ تا آنجا بودیم، می‌لرزید از سرما.^{۱۳}

دستور به کارگزینی

شهید مهدی باکری، شهردار که بود، به کارگزینی گفته بود، از حقوقش روی پول کارگرای دفتر بگذارد. بی‌سر و صدا؛ طوری که خودش نفهمند!^{۱۴}

روحانی ایثارگر

یکی از روحانیون فداکار(برادر آیت‌الله مشکینی) در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، برای تبلیغ به یکی از روستاهای کشور رفت. آنجا آب آشامیدنی سالم و مناسب نداشت و ساکنان ده برای تهیه آب بسیار در زحمت بودند و بودجه‌ای هم برای تأمین آب لوله‌کشی نداشتند. ایشان پس از مراجعت به قم منزل مسکونی

www.ofoghhawzah.com

▪ دوشنبه ۱ مرداد ۱۴۰۳ ▪ ۱۶ محرم الحرام ۱۴۴۶ ▪ ۲۲ جولای ۲۰۲۴ ▪

▪ سال بیست و سوم ▪ شماره ۸۰۷ ▪



راه تقرب بر خدا و رسول و اهل‌بیت ^{علیهم‌السلام} تبری از دشمنان آنان است. تنها نماز خواندن و حج رفتن عامل قرب نیست؛ وسیله تقرب، در خط صحیح اهل‌بیت ^{علیهم‌السلام} بودن است: «اتقرب الی الله… بموالاک و بالبرائة…».

نکات قابل بحث:

– لزوم و اهمیت تقرب به خدا؛

– ضرورت تقرب به پیامبر و ائمه معصومین ^{علیهم‌السلام}؛

– چه چیزهایی عامل قرب است؟؛ عوامل قرب‌آور؛

– اساس تقرب با ولایت و برائت است: «بُمُوالِیکَ … ومَعَنَ اشْسَ اسَاسُ ذَلِکَ»؛

– در برائت از باطل، باید به بنیان‌گذاران، رهروان، پیروان و همه هم‌سویان با باطل توجه داشت: «اشس، بَنی، جَری، اشیانهم، اتباعهم».

در این فراز باز هم، موالات و معادات، تولی و تبیری، سلم و حرب، ولّی و عدوّ… مطرح شده است و اهمیت مسأله را می‌رساند. نکته جدید در این فراز، ناصبی‌هاست: «التَّاصِبِیْنَ لَکُمُ الْخُزُبُ» که دنباله‌های آنان امروز هم در گوشه و کنار وجود دارند.

- ۱۲. همراهی با اهل‌بیت ^{علیهم‌السلام}**

در فراز دیگر «فَأَسْأَلُ اللهَ الَّذِی أَرْزَمَنِی بِمَعْرِفَتِکُمْ…»، چند نکته وجود دارد که قابل توجه و الگوگیری و به کار بستن در زندگی مرزی و اجتماعی است:

– درخواست رستگاری و سعادت از خدا: «اسئل الله»؛

– ارزش و اهمیت معرفت اهل‌بیت ^{علیهم‌السلام}؛ «الکرمنی بمعرفتکم»؛

– برائت از دشمنان یک توفیق و ارزش است: «رزقنی البرائتہ و اعدانکم»؛

– همراهی و هم‌خطی با اهل‌بیت ^{علیهم‌السلام} یک خواسته مهم است: «ان یجعلنی معکم»؛

– با اهل‌بیت ^{علیهم‌السلام} بودن، هم در دنیا و هم در آخرت و پیوند این دو باهم: «معکم فی الدنیا والآخره»؛

– ثبات قدم و استمرار حضور در خط اهل‌بیت ^{علیهم‌السلام}، نه مقطعی: «أَنْ تُثَبِّتَ لِی عَقْدَکُمْ قَدَمَ صَدَقْ»؛

ولایت، نوازد و تربیت، شغل و درآمد، معاشرت، خوردن و آشامیدن و پوشیدن، روابط با دیگران، با دوست و دشمن؛

– ضرورت شناخت سیره معصومین ^{علیهم‌السلام} جهت الگوگیری از آنان و تنظیم شکل زندگی بر اساس محیای محمد و آل محمد ^{علیهم‌السلام}؛

– جهاد و شهادت، یکی از شاخصه‌های زندگی و مرگ بر اساس الگوهای اهل‌بیت ^{علیهم‌السلام}؛

– مراجعه به زیارت جامعه در تبیین شیوه و خصال آل محمد: «فَعَلَّکُمُ الْخَيْرَ، عَادَکُمُ الْإِحْسانَ، سَجَّیْتُکُمُ الْکَرَمَ…».

- ۱۴. باز هم دشمن‌شناسی و برائت**

در فرازهای پایانی زیارت عاشورا، مجدداً به ترسیم خط دشمنی آل‌امیه و یزیدها و ابوسفیان‌های تاریخ می‌پردازد و عمق کینه آنان را نسبت به اهل‌بیت ^{علیهم‌السلام} نشان می‌دهد. این نکات قابل توجه و تأمل است:

– جشن و شادی امویان بر حادثه عاشورا و مبارک دانستن روز شهادت امام حسین ^{علیه‌السلام}: «ان هذا الیوم، یوم تبرکت به…»؛

– شناخت چهره شجره خبیثه و ملعونه امویان و مروانیان: «اَکَلِةُ الْأَکْبَادِ اللَّعِیْنِ اِئْتِ اللَّعِیْنِ عَلِی لِسَانِکَ وَلسانَ نَبِیِّکَ ضَلٰی اللهُ عَلَیْهِ وَفِی کُلِّ مَوطُنٍ…»؛

– شجره ملعونه در قرآن، بنی‌امیه‌اند (اسراء آیه ۶۰)؛

– احکام شرعی روز عاشورا، پرهیز از شادی، کراهت روزه گرفتن، لزوم سوگواری و اظهار حزن و تعظیم شاعر؛

– لعنت دوباره ظالمان و درخواست عذاب الهی برای آنان: «فَضَاعَفْ عَلَیْهِمُ اللَّعْنَ مِنْکَ وَالْعَذَابَ…»؛

– طرح دوباره تقرب به خدا به‌وسیله برائت از دشمنان و موالات با اهل‌بیت ^{علیهم‌السلام}: «اللهم انی اتقرب…»؛

– طرح دوباره اولین ظالمان و خاندان پیامبر ^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} و حامیان آن ظالمان و پیروان و دنباله‌روان: «وشایعت ویایعت…».

- ۱۵. سلام بر شهیدان**

نکوداشت و یاد شهیدان و نام بردن از آنان و روح فداکاری آنان، احیای فرهنگ جهاد و شهادت است. در فقرات پایانی از فداکاران و جان‌باختگان در رکاب امام ^{علیه‌السلام} یاد می‌شود و بر چهره‌های شاخص شهدای اهل‌بیت ^{علیهم‌السلام} (امام حسین، علی‌اکبر، اولاد امام و اصحاب امام ^{علیهم‌السلام}) سلام و درود فرستاده می‌شود و پس از آن، بار دیگر لعن و برائت بر سران ظلم و بنیان‌گذاران ستم بر اهل‌بیت ^{علیهم‌السلام} و لعن بر یزید و ابن‌زیاد و شمر و عمرسعد و آل ابی‌سفیان و آل‌زیاد و آل‌مروان که همه سروت‌یک‌کریاس‌اند و «الکفر مَلةٌ واحدة».

محورهای قابل بحث:

– ویژگی‌های اصحاب باوفای امام حسین ^{علیه‌السلام} و الگوگیری از آنان؛

– معرفی خاندان‌های ضدّ اهل‌بیت و پیشینه کفر و نفاق آنان و نقش این بصیرت در عمل یک مسلمان؛

– تأکید بر صد سلام و صد لعن و نقش تکرار در اظهار ولایت و برائت در تعمیق باورها و ثبات عقیده؛

– درخواست اینکه این زیارت آخرین زیارت نباشد، توفیق استمرار در این راه و خط و الگو بودن این برنامه برای همه ایام و طول عمر.

- ۱۶. شفاعت حسینی**

در آخرین فراز که در حال سجده بیان می‌شود، این نکات مطرح است:

– حمد خدا و سپاس بر تحمل این مصیبت و دریافت اجر: «لک الحمد حمد الشاکرین…»؛

– درخواست شفاعت امام حسین ^{علیه‌السلام} در روز قیامت؛

سیاست‌های معاویه فشار بر شیعیان است. پس از صلح امام حسن ^{علیه‌السلام} معاویه فرمانداری کوفه و بصره را به زیادبن ابیه^۱ می‌سپرد. در تاریخ آمده:

زیاد به جست‌وجوی شیعیان پرداخت؛ چراکه آنان را می‌شناخت و از خودشان بود. پیش از هر چیز آنان را شناسایی کرده و سخن‌شان را شنیده بود. آنگاه دست به کشتارشان گشود و آنان را در هر کجا که یافت، به قتل رساند. از وطن‌شان کوچاند و به وحشت انداخت و دست و پای‌شان را برید و بر شاخ درختان خرما آویزان کرد. چشمان‌شان را میل کشید و آنان را راند و آواره کرد تا آنکه از عراق کنده شدند و هیچ‌کس از آنان باقی نماند؛ مگر آنکه کشته یا دار زده شد و یا آواره و فراری گشت.^{۱۳}

عبیدالله دست کمی از پدرش ندارد و مردم این را می‌دانند. از همان ابتدا با تهدید و تطمیع و نیرنگ‌کار خود را پیش می‌برد. در یکی از فرمان‌هایش از مهتران می‌خواهد، نام کسانی که حتی فکر می‌کنند، ممکن است مخالف یزید باشند، به او بدهند تا از کیفر معاف شوند؛ وگرنه باید تمهد کنند که در حوزه ریاست‌شان، هیچ‌کس عزم سرکشی ندارد. هرکس چنین نکرد، امان از او برداشته است و جان و مالش حلال است و اگر مخالفان حضرت امیرالمؤمنین ^{علیه‌السلام} را در قلمروش پناه دهد، بر در خانه‌اش دار زده می‌شود و نام آن مهتر، از دیوان عطا پاک می‌گردد و به زاره در عمان تبعید می‌گردد.^{۱۸}

این فرمان به‌معنی اینکه هرکس تخلف کند، نه‌تنها جان و مال خودش که کل خانواده و قبیله‌اش نیز، در خطر خواهد بود.

در روزهای اعزام نیرو به نخیله، به عبیدالله زیاد خبر می‌دهند که برخی از میانه راه می‌گریزند و لشکری که به کربلا می‌رسد، اندک می‌شود. عبیدالله زیاد دستور می‌دهد کوچ به کوچ در کوفه بگردند و هرکس را یافتند که سر باز زده، گردن بزنند. نشسته‌اند: شویدین عبدالرحمان در کوچه‌ها می‌گردید که مرد شامی را دید که برای گرفتن ارث یا مالی که به دیگری سپرده بود، به کوفه آمده بود. او را نزد



با نهضت حسینی، شجاعتی وصف‌ناشدنی از خود نشان دادند و هم در ماندن تا آخرین قطره خون، در آن هنگامه شمشیر و تیر و نیزه و خون.

بررسی شرایط کوفه و زمانه امام حسین ^{علیه‌السلام}، نشان از سختی تصمیم‌گیری و ماندن پای این تصمیم است. وضعیت شیعیان، بسیار دشوار است. یکی از یاران امام حسین ^{علیه‌السلام}، هم در تصمیم‌گیری برای همراهی

«اللهم ارزقنی شفاعةالحسین». در همین جا می‌توان از شفاعت و نقش آن در تربیت پیروان و شرایط برخورداری از شفاعت و اینکه امید به شفاعت نباید جزأت برگناه را افزایش دهد و اینکه مشمول شفاعت شدن، «لیاقت» می‌خواهد، بحث کرد؛

– ثبات قدم در راه دوستی و موالات امام حسین ^{علیه‌السلام} و اصحاب فداکارش و دچار ریزش نشدن؛

– خطر و آسیب تغییر موضع و عدم ثبات و جدا شدن از صف حسینیان و ریزش از خطّ عاشورایی.

- منابع دیگر برای مطالعه**

با توجه به مباحث این زیارت‌نامه و پیام‌های آن، می‌توان برای مطالعه بیشتر به کتاب‌هایی که درباره یاران امام حسین ^{علیه‌السلام}، شرح زیارت عاشورا، زیارت و آداب و آثار آن، حوادث و وقایع عاشورا، دشمنان اهل‌بیت ^{علیهم‌السلام} و … است، مراجعه کرد. به‌عنوان نمونه چند کتاب یادآوری می‌شود:

– چهره‌ها در حماسه کربلا، محمدباقر امینی، بوستان کتاب، قم؛

– درس‌هایی از زیارت عاشورا، جواد محدثی، بوستان کتاب، قم؛

– شهادت‌نامه امام حسین ^{علیه‌السلام}، محمدی ری‌شهری، دارالحدیث، قم؛

– فرهنگ زیارت، جواد محدّثی، نشر مشعر، تهران؛

– اصحاب امام حسین ^{علیه‌السلام}، اصغر ناظم‌زاده، بوستان کتاب، قم؛

– یاران شهیدان حسین‌بن علی ^{علیه‌السلام}، مرضی آقاهرائی، نشر ولاء منظر، قم؛

– ناگفته‌هایی از حقایق عاشورا، سیدعلی حسینی میلانی، مرکز حقایق اسارهی، قم؛

– پیام‌های عاشورا، جواد محدّثی، زمزم هدایت، قم؛

– فلسفه زیارت و آیین آن، مرضی جوادی آملی، اسما، قم؛

– شوق دیدار، محمدمهدی رکنی، آستان قدس رضوی، مشهد؛

– ثارالله، خون حسین ^{علیه‌السلام} در رگ‌های اسلام، حسین عندلیب همدانی، انتشارات خیمه، قم؛

– برگدآمین مصیبت باید گریست؟، سید محمدتقی قادری، انتشارات نصابی، قم؛

– الّوَر، المؤمنو، یحیی صالح‌نیا، مرکز رسیدگی به امور مساجد، تهران؛

– نینوا و انتظار تأملی نو، جمعی از نویسندگان، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی ^{عجل‌الله‌تعالیه‌الی}، قم؛

– عاشورا و انتظار، مسعود پورسیدآقایی، انتشارات حضور، قم؛

– عاشورا، مکتب انتظار، علی هراتیان، نشر سبط النبی، قم.

- پی‌نوشت‌ها**

۱. از جمله: دانشنامه امام حسین ^{علیه‌السلام}، محمدی ری‌شهری، ج ۱۲، ص ۷۷ تا ۲۱۸؛

۲. الکافی، جلد ۴، صفحه۵۶۷؛

۳. بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۱۰۵؛

۴. لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۹۹؛

۵. بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۳۱۷؛

۶. در مورد شناخت چهره‌های مخالف، از جمله رک: چهره‌ها در حماسه کربلا، محمدباقر پورامینی، بوستان کتاب، فصل پنجم؛

۷. توبه آیه ۹۶؛

۸. توصیه امام باقر ^{علیه‌السلام} به شیعه به تسلیت‌گویی در روز عاشورا با این عبارات.

ابن‌زیاد بردند؛ هرچه فریاد زد که من در این شهر غریبم و برای گرفتن مالم آمده‌ام، عبیدالله نپذیرفت و دستور داد، او را گردن بزنند. صحنه قتل این مسافر غریبه، چنان ترسی ایجاد می‌کند که همگی شتابان و هراسان به سمت کربلا حرکت می‌کنند.^{۱۸}

با ترسیم چنین فضایی است که بهتر می‌توان شجاعت بی‌نظیر یاران امام را درک کرد و فهمید که چرا امام در توصیف‌شان می‌فرماید: من یاران و خانواده‌ای بهتر و نیکوکارتر از یاران و خانواده‌ام سراغ ندارم.

- پی‌نوشت‌ها**

۱. محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۸۲؛

۲. همان، ص ۱۸۳؛

۳. محمدی اشتهازی، محمد، مفهوم انتظار و اهمیت آن، نشریه پاسدار اسلام، ۱۳۷۵، شماره ۱۸۱؛

۴. رک: همان؛

۵. بیانات در دیدار اساتید و فارغ‌التحصیلان تخصصی مهدویت، ۱۳۹۰/۴/۸؛

۶. سوره احزاب، آیه ۲۱؛

۷. ... فرهنگ جامع سخنان امام حسین ^{علیه‌السلام}، ص ۲۸۵؛

۸. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۹ هـ.ش، ج ۸، واژه ایثار.

۹. .. ذهنی تهرانی، سید محمدجواد، از مدینه تا مدینه(مقتل)، ص ۲۵۷؛

۱۰. طوسی، محمدبن الحسن، الغیة (للطوسی) ج ۱، ص ۳۳۹؛

۱۱. مفید، محمدبن محمد، الإرشاد، ج ۲، ص ۹۲؛

۱۲. محمدی ری‌شهری، محمد، دانشنامه امام حسین ^{علیه‌السلام} بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، ج ۶، ص ۲۱۵؛

۱۳. بردارن، مریم، یادگاران ج ۲ (کتاب شهید محمدابراهیم همت)، ص ۶۴؛

۱۴. فروتن، طه، یادگاران ج ۳ (کتاب شهیدمهدی باکری) ص ۱۲؛

۱۵. دهقان، اکبر، هزار و یک نکته اخلاقی از دانشمندان، ص ۳۰۰؛

۱۶. پدر عبیدالله‌بن زیاد؛

۱۷. رجبی دوانی، محمدحسین، کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی، ص ۳۳؛

۱۸. طیبی، نجم‌الدین، با کاروان حسینی از مدینه تا مدینه، ج ۲، ص ۱۵۰؛

۱۹. سنگری، محمدرضا، آیینه‌شکنان، ص ۵۱۴.